





# روزنامه ۱۵ سالنامه‌های ایران ۱۳۸۸

۱۶۲۵ - سیاه ششمی، که اکنون در خود

میلادی

سیاه ششمی، که اکنون در خود  
سای حمله به شهرهای ایران زمین را می‌دید  
از راه دیگر، در صدد برآمد باز هم آنچه  
را که از بده بود، بیازماید. و بغداد،  
در این زمان، از دولت عثمانی تبعیت میکرد. اما چون سلطان  
مردخان، امیرافرو شمالی درمیافتد که اندک‌اندک باید آن شهر  
و سایر شهرهای عراق را از دست بدهد، بیست‌سختی کرد و سیاهی  
پانویخانه میزند، به‌اندوه گسیل دادست. سیاه میزند، عثمانی  
به بغداد رسید و این و شاه بزرگ خود با سیاهیان دلیز و تکاور  
فریانی و شاهسون و پادشاه روی آورد. از حیرت و اندیشه دشمن  
خاطمیع که در همه حال، تجربه‌های گلشنه را دست‌فراموشی  
می‌سپرد و از سرخانی و خیراندست‌نویزی بی‌حسب‌اشاد می‌خود  
پیروزی‌های کوه‌نماید و گلداری خود را تجدید کند، درسی از  
عبرت نهد.

سیاهیان ایران در پناه دوستی و نواغ تاناکه جنگی دهم‌پرویز  
خود، موفق شدند این شهر را، از محاصره درآوردند و بندرپیروزی  
خود را، که از لاداری آشفته، بودند، بازگرد کنند و سرانجام  
سیاهیان عثمانی را روی به هزیمت نماندند درحالیکه هنوز هم با یکدیگر  
که برمی‌آید، آنان دردهای بی‌اندیشه خود، به زنجیر پیوندند.  
و درحقیقت این‌پوشش‌مردانی‌هسای سلطان آستان، در غرور  
گردانه سردارانشان بود که آثارها به مملای خوشباری و شکست  
میگشاند.

بغداد لادور، با موفق شد، بغداد را، به تصرف درآورد و آنگاه  
تبعیت لادور را به ایران زمین ضمیمه کند. در این بومی میمون  
بود، زیرا از بزرگت این پیروزی و این پیوند مبارک، و مستحکم  
حکایت می‌نویسد ایران و مردم‌خداشناس ایران، بپرواز سر آن  
سرزمین گشوده شد و آبادی و شهرهای بی‌پند خورده، در نج

۵۱ - زمانی بعد همانگونه، که پیش‌بینی میشد، خبرگران شاه  
ایران خبر آوردند که دشمن در حال تجهیز سیاهی دیگر است!  
و در این زمان، شاه بزرگ، دلداریان و پادشاهها  
مستردن آرامش دست گشوده بود.

تعمق در ضرب‌المثل‌ها، کوشش‌گرانی‌ها بین حقیقت می‌رساند که  
عصاهای تجربه، در هر ضرب‌المثل، در قالب کلامی کوتاه،  
شکل گرفته است. و بی‌شکرتان‌ان بنای هر ضرب‌المثل، اندیشه‌های  
بزرگ و ناشناس بوده‌اند که در لحظه از هستی را در میان بر روی  
از تجربه‌های تازه، گل‌زنده‌اند. و این ضرب‌المثل که می‌گوید:  
(توبه بزرگ، هرگز است) ایرانی‌پیشترین مسابقه را، از دیدگاه  
مفهوم تعبیر یافته، در مورد سردان و سلطان عثمانی، دلداری‌های  
خاصی از زمان، در دوران حکومت شاه بزرگ، شاه عباس، می‌یابند  
آنها، با آنکه با وجود، بارها هم تلف شکست را چشیده‌بودند باز هم  
به ریختن اعتبار و حیثیت خود دست می‌نویسند. در این سال  
سلطان مرادخان چهارم، در خود را بنام «حافظ احمدباشا»  
برای استرداد بغداد با لشکری‌های عظیم، روانه آنجا کرد. و این  
لشکر موفق شد در آغاز شهر را محاصره کند و در راه ایران،  
سردار دلیز خود «زین‌علی‌شاه» را، با سیاهی به بغداد روانه  
داشت. نبرد درگت، با پشتیبانی ادامه یافت و سرانجام، و  
آنکه ایرانیان، گروه گشته از این‌انرا بکام مرگ فرستادند، خود،

به برکت رهبری استثنای سردار خود، شکست خورده و پیروزی  
را، برای بادبگر، بار آورد. «حافظ احمدباشا» سردار عثمانی  
و سیاهی‌تصعب و باروتگر و او را گم‌گشته و بغداد را، در  
تصرف آنان رهائی بخشید. و زمانی‌بعد، شاه لادور، خود، در  
راس سیاهی دیگر از دل‌دوران شیراوان ایرانی، به بغداد آمد و

## جامعه و تمدن عصر سامانی

## ۳ - از: خسرو معتضد

# حکومت سامانی با ایجاد نظم اداری و سیاسی، نخستین تشکیلات مستقل بعد از اسلام را پایه گذاشت

روش سیاسی سامانیان  
نظمی سامانیان از تشکیلات اداری  
مستقلی برخوردار بودند. در سامانیان  
هنگامی که حکومت را می‌دیدند «گورکان»  
شوروی می‌نامی و ایران پرند  
عزالت عالی نامیده بود. و  
خالات عالی می‌نامیدند و در  
شکست پیشرو لیث مضارب بود  
عنده ایجاد کرده بود.

نتیجه‌آور اینکه مقنوب پسر از  
سرکوب کردن کلیه امرا و  
ملوکان اطراف کردنیکی ایران  
آرامش و مرکزیتی ایجاد کرده بود  
و اگر زنده میماندند با دشمنی  
با ظننی نظیر امپراتوری سامانی  
منجر میشد.

نتیجه دوم اینکه مرگ و مقنوب  
در دیوالقلاو و مرگ او در  
چندین شهر و چندی در راه از تصرف  
چند آبادی از نود ادارتی و  
ظننی خدای سامانی و دست  
شدگان ایرانی آنان مانند اولاد  
میدانید ظاهر را یکی از میان  
برگرفت بر روی بنای دولت  
کلیه امور زراعتی و روش  
مرکزیت و تنظیم و مرکزیت  
غذایی و درآوردن این قرن به  
حیثیت مقنوب لیث را پیشگاه بود  
و مقنوب پسر را پدید آمدن با اموال  
و مورات متداول سر بر سرجه  
آجرام خود به خلاف پیوند  
آوردند و کلیه زمین‌ها که کامیار  
اسامیر و کلیه زمین‌ها که بی‌نگار  
خلاف مقنوب لیث که بی‌نگار  
زیرا در شهر خردا منسوخ  
بودند از ارباب متورج‌حکومت  
را از طرف خلق علیه عباسی بر سر  
اندازد و مزارعی خود بر مزارع  
و آبج و بر روی و بی‌پندش.  
در چنین اوضاع و احوالی هر  
موفقیت پیروزی و سیاست عالی  
گذردی رویی بود که سامانیان  
اختیار کردند.

های منتقل و کوچک ایرانی در  
گروه و کنار ملکیت خدایند  
نفره ادارتی نظامی علیه یکی  
سوخ خود آنچه شوروی روحانی  
گرفت خلقه از صورت پای در  
دست نماندگان علیه و با توجیه  
به حمایت عمومی خالات بغداد  
روانند ز ره‌سلطنتی عباسی ایجاد  
کنند و اگر محدود صرفت وضع  
و استحکام تشکیلات اداری و نظامی  
سر سامانی را از نظر بزرگانی  
این نتیجه میسریم که پیوند پیوند  
است که صاحب تاریخ بخارا ایرانی  
سامانی را سلطان خوانند است  
آری یازدهمین سلطنتی کامل و واقعی  
با تمام مختصات آن از ربع آخر  
قرن سوم هجری در ایران ایجاد  
گردید و این حکومت با استفاده از  
رای و دانش وزرای خردمند و  
توجه مسائل فرهنگی و عمومی  
در اولین حکومت مستقل و  
پایدار کشور ایران بشمار آید.

اصطلاح اداری  
سامانیان بر خلاف سلسله هفاری  
کنند چون مغربان و مغربان  
بلاطه استفاده از اندیشه توانایی  
قوله‌های سیاسی و عاقلانه پیروزی  
ایوانتسل بلسمی و اوبیغلام‌لحد  
چیزی توانستند از آغاز بنی‌توجه  
مأمور جنگی و نظامی پاپیری  
ظننی برای امور اداری و مالی  
روشن بنیادند. روش اداری و مالی  
دولت سامانی بدعا بنای از طرف  
دولتی دیالو و نژواریان و اسامیل  
تقدیر شد اهل علم در کنار اهل  
شعیر به منفند صداتر و حکومت  
شدند و مننات ملکیتی علاوه بر  
قدرت زور و سرنیز به نیروی عقل  
و تدبیر نیز رف و رجوع گردید.  
در تاریخ نژواریان گردزی‌آمده  
است:

«اوبیغلام‌محمد بن احمدجهانی  
وزیرن سزین احمد سامانی  
چون به وزارت نشت به همه  
ممالکجهان نامعا نوت و برهاری  
همه درگاهها و دیوانها خدایست  
با نشت کردند و به توجیه است

این‌بار دوسیه دلاور، چنان عرصه را بردشمن تنگ کردند که  
سیاهیان آنها از درون مملکت‌شانند این، خبری دیگر برای ایران  
خاطمیع بود که طمع در فلور سزین های ایران بسته بودند. دشمن  
ازین پس تنها به دست‌بردهای گودانی، در گرجستان و ارمنستان  
بسنده کرد.

۱۶۲۵ - پیش از اینکه به پایان زندگی اختراع  
شاهنشاه بزرگت سلوی بپردازیم، تصویری از  
او را نقش کنیم و این کار را توسط  
بانت می‌یابد. نخست اینکه، توفیق در زندگی

بستگی به حصه‌ای است که از تجربه‌های دیگران بی‌بهره و آن  
را با نیروی کارآزموده و دست‌خود می‌آمیزد. و از این جهت  
آگاهی از شیوه‌های کشور داری شاهمی بزرگت، که ایران زمین را،  
پس از آنکه سیلاب که از سرگردانده بود، و پس از بیرون آتفه  
نسیب‌ها و فراخها که در راه چن نموده بود، به دوران اختراع  
بزرگی رسیده، ضروری می‌نماید.

نکتی دیگر که مشاهده می‌شود، این است که هر قدر بود، و وارث‌ت‌ها  
هستیم که از زاننده و باور پدران ما سرچشمه گرفته و در دست  
زمان تکیون یافته و اکنون به‌توانی متناسب می‌شود. رفتار بعضی  
شاخصان زندگان ما، و بخصوص شاخصان که هم شهرت‌های بزرگ  
و هم بدی‌ها را در دهان می‌نویسند، در شناخت ارزش این ستاره  
ما را برای همه تا پاسی آنها را پیش‌از پیش بدایم. بسخت‌خود  
بازگردیم.

نخست از چه‌روی و از رفتار و باورهای ما، قیامت‌شاهمان،  
اندکی از میانه بلا گرفتاری بود. آنداش لایق نظر تعبیر سید ولی  
وزنده و موزون و با قیامت کومانش متناسب می‌شود. رنگ بعضی  
مال به‌سید، اما صورت لاغرش آفتاب‌خورده و سینه بود-بعضی  
کوبک و سرفام و بسیار با وجود و ناله و درخشان داشت. و بی‌شک  
کوبک بود. بی‌شک بلند و پانسی و با وجود، برخلاف بدوی‌ت‌ها  
از نودهدمکی که سال دوم فرمان داد که هفتی فرمان، بر شترت‌ها  
ریش تراشید و نسل بعد فرمان داد که شاه‌عسای سیل خود را  
و بکل تاریخ عباسی (پیش‌ت‌ها) عام شده. شاه‌عسای سیل خود را  
بسیار کلفت و بلند می‌گشاید. حتی قسمتی از روی ریش را نیز  
و از دوسوی کومه‌ها، کعبی‌اند، حتی قسمتی از روی ریش را نیز  
از طرف، و بنیال سبیل، و می‌آورد. روی آبی و سیل‌ت‌ها  
چهارم‌سالگی سیاه بود و با آنکه رنگ رویش از اسب سیاه  
و چنگ‌های بی‌شمار، و بی‌شماره‌ها بود، از زیبایی‌های موش،  
برترش‌ها می‌نویسند. و پرند و پرند و پرند و پرند و پرند و پرند  
داشت. سنتی، چون دست آنان خا می‌ست و رنگین می‌باشد،  
و سیاه بود و آنها را برسم آنان خا می‌ست و رنگین می‌باشد،  
و سیاه بود و آنها را برسم آنان خا می‌ست و رنگین می‌باشد،  
چهارم‌سالگی آبی‌ت‌ها که پنج سال در سفر و حضر باقی هم‌راه  
و همچنین بود. بی‌شک، سران پادشاه را نتیجه زحمات و  
مشقت جنگ و سفر، و مانند است.

شاه‌عسای کمتر دردیگرا آرامش می‌گرفت و از حرکاتش، چه  
در راه رفتن و چه در سخن گفتن، گریستن، حرارت و میانه‌بینی  
میشد. ولی باین همه بی‌ارامی، رفتار بی‌ممانت و رفتار آسید  
بود و سروای و دوشش از کمال اجابت و زبری او حکایت می‌کرد  
و در مجالس، معمولاً، به چنگ‌ها زبانه‌ها بود، به‌زوانی یا  
چهارزانوی می‌نمشت. هنگام راه رفتن، عصب برده‌است چپا بر پیوند  
چشمی و سیاه و لوب شمشیر راه از عقب برده‌است می‌برد. و در  
حرکتش، چیزی که نشان خشونت و خشمندست، و تکیه بر لب  
و دهان می‌نمشتند از اطراف سخن‌اتر از می‌نمشتند. و همیشه مراب  
بود که حالات طبیعی داشته باشد. پادشاه یا سواره، در پیشانی  
دیگران رفتن، در صورتی که پادشاهان هم‌صورتی، در ادویه  
معمولاً، از بی‌بجانه و کمال بی‌بجانه‌ها، سزندان و درج‌الواری  
می‌کردند. بی‌شک قدم بلند اولی، او فوریتی و کومانش، و دورچی  
شعیر، و زیومان و شمشیر ادویه ای، بر کمرگاه آویخته بود.  
میرد. و سرداران بزرگت و سران دولت و دربار شاه، از پس  
ایشان، می‌رفتند. او ماتت شاهان، و کوه آنان را با سادگی  
درهم می‌بندد و هواده درون راه کوشا بود و این طرحی از  
سیاهی او بود و ظاهر او، در خود، از دیدگاه‌های مختلف، پان‌ایرانی  
بود. فروندی برمنده از خنده‌های تازه و زهر که همواره برای  
سزندان ایران زمین، بخصوص در برابر بیگانگان، به‌شکستی دست  
می‌زدند. به‌بلاط منضم می‌شود. و لاجل، و بر پرامون و قیامت‌ها  
سیاهی‌ها، از اول سال، ۱۱۱۱ هجری قمری بود، توجه کنیم و شش‌ماه  
از فرد او راه و راه و راه و راه و راه و راه و راه و راه و راه  
نام برای برشته‌ها خا شده است. در بنیاد، او می‌نویسند: «... در  
کادراسی‌های آنها، در نام سیاه کرد، شاهزاده و پان‌ایرانی، بر  
بسیار از شمشیر ترک می‌کرد. سیاه‌حکم جهان طالع بود و از درون  
کلیف و شمشیر ترک می‌کرد. ایچی از روی ضعف برخاسته بود  
شعیر بر زرد می بود و سیاهی بود، دست نمود و به‌گوش  
شعیر بود. شمشیر بود و در میان زمین بود، او به‌گوش  
استخوان کالی نداشت. «شاه» ایچی از روی ضعف برخاسته  
کردند. «دوخ» بیگ شمشیر (آتمو) بیگ ز را، به چهار برده  
و وزیرن نشان از دست سزین ... او در دو کوه‌نمونه‌ها،  
پان‌ایرانی زانها دست یافته بود و خود می‌بندست که شاهی و  
موتی است که از سوی اربابان راه آسیده و مردم اداری  
سایه‌ها می‌بندند. از این روی‌همواره می‌بندند تا آسیده و مردم اداری  
از برترت‌ها می‌بندند. بر سران ایران زمین بشکستی و شیوه خاص  
حکومت او در دست مردم‌نویزی او و در دست‌نویزی او و در دست‌نویزی او  
فرمانی بر پان‌ایرانی جاری کرد. به‌نمونه‌ای از رفتار او با مردم و از  
خشم‌های مردم از او بوجه گفتن، و در این راه است. روزی که  
شاخک مردم و بقای شاهنشاهی ایران زمین است. این روایت که  
از تاریخ مردم و از نام معاصران شاه بزرگت، «بینه درگاه‌مرد»  
نقل می‌گردد، در ترجمه سفر نامه «الزور مؤنویک» یکی از  
هم‌راهان برداران ایران است:





# در شاهنشاهی



## ایران زمان هخامنشی از مراکز مهم مبادلات

### علمی جهان بود

ایران نوشته است: «در سفر دو روزه هشت فرسنگ راه پیوم و درین راه از زده ترعه گذشت یکرا بوسه بل و دیگری را بسیاری قایق‌های تمهین. ترعه‌ها را از دجله احداث کرده بودند و از هر ترعه جویهای متعددی کنده شده که به سرسوروان است. سد های بزرگی نیز همین منظور آبیاری از آبهای دجله در نقاط مختلف و فرات و کارون و رودهای دیگر ایران هخامنشی کنیده شده بود که برای آبادی زمین‌های دوردست بکار میرفته است.» (۶)

شاهنشاهان هخامنشی با موم و همنسی و دانش تجربی آن در زمینه کشتی سازی و استخراج معادن و رامسازی و امور پست‌ها شناختن و علاقمند بوده‌اند و بقسمی که موقعا ایران - باستان می‌نویسد: «در کارخانه‌های کشتی‌ها که در سواحل ایالت بابل تابع ایران کنیده شد بامر شاهنشاهان ایران کشتی‌های زیاد ساخته شد - سفاینی که با شاهنشاهان ایران می‌بایست ساخته شود بیشتر در فینیقیه و بعد از آن در آسیای صغیر مانند کایره و ولایت ینیان و سواحل اردانان و بفر تهیه میشد و کشتی‌های ایران از کشتی‌های یونانی بزرگتر و سرسبیش بیشتر بود - علاوه آنچه از کتب نویسندگان عهد قدیم فرماید این چیزها را در ایالات ایران بدست یا بعمل می‌آوردند: در آذربایجان می - سر و پتره و در گیلان و مازندران آن در دماغان و حوالی آن می، در خراسان فریروزه، در باختر می و سرپ و بعضی فرسات دیگر، در صفحات شمال شرقی و باختر فریروزه، در ماراوار سیجون طلا، در مغرب دریای اوقی (رضائیه) می و آن، در خوزستان قریب نفت موم معنی، در پارس و بختیار می و سرپ و بقره، در هند خاک طلا، در ارمنستان و کاپادوکیه و در سرب‌آلات و امیزار فلزی در کنخید طلا. چنانکه کنتیم در دوره‌های هخامنشی برشته رامسازی اهمیت می‌دادند و هرودوت مشخرا خوبی راه‌های ایران آن زمان را ستوده و گزفون که خودش راه آسیای صغیر را تاجده پیموده کشته‌های هرودوت را تأیید کرده‌است. در میان راه‌ها پایدار شاهراه Highway

مخصوصی نام برده که مسلماً این نظر بازرگانی حائز اهمیت بوده است. این‌ساز از شهر اف بونانی و در آسیای صغیر شروع شده و بنابر میرفت و از آن شهر گذشته و به ارومیر رسید. دولت هخامنشی علاوه بر این‌ساز اهمیت زیاد به راه‌ها میداد که فرقه اول چاهارخانه‌ها می‌تأسیس کرد. گزفون تأسیس چاهارخانه‌ها را به کوروش بزرگ نسبت میدهد و میگوید که گزفون فاصله چاهارخانه‌ها نسبت به

در زمان هخامنشیان ایرانیان از گاوآهن استفاده کرده بوسه‌بل گاو زمین را شخم می‌نمودند، کشتی که روی نشانه‌های هخامنشی است و متعلق به چهارقرن قبل‌از میلاد بوده و در موزه لوور پاریس نگهداری میشود موبدیان موضوع است (۱). موفک تاریخ کشاورزی ایران است مینویسد ایرانیان هخامنشی در همنسی زراعتی و سدسازی و کندن کانالهای بزرگ و ساختن های روستایی کارهای بزرگی انجام داده‌اند دکتر هرتسفلد (ایران شناس آلمانی) ضمن مطالعات و تحقیقات خود در تخت جمشید به مجاری زیرزمینی بیجا بیج فاضلاب رسیده است که درازای آن چندین کیلومتر است و نمونه دیگر مخزن‌های آب زیرزمینی است که بطرفیت علمی با قلعه سنگهای بزرگ در حدود ۲۴ متر در فاه زمین ساخته شده و نشان میدهد که ساختن تخت جمشید با قلعه‌های درست و منظم علمی از روی اصول همنسی که تصویب شاهنشاه رسیده شده است. سد بزرگی که همنسین ایرانی در حدود میانه سد و خوارزم ساخته بودند موجب کشتی هرودوت مورخ یونانی گردیده و آنرا از کشتی‌های صنعت دانسته است. با هند، دولت ایران زمینهای پهناور زراعتی را که نشان آبی بود آباد میکرد و بندینوسه قلعه‌ها قبائل سرکش را بدون خونریزی رام فرماید و کتایور می‌نویسد: «آنها را بزرگان شرافتمندانه کشاورزی مانوس میکرد (۲). موفک ایران باستان می‌نویسد: در دوران هخامنشی اکثر ایالات حاصلخیز ایران گندم و جو و حیوانات وغیره زیاد بعمل می‌آوردند، در فاه مستند تاریخ را حاکم از این است که کنت گندم برای اولین بار در فلات ایران بخت آمده است و این قوت از زنده‌ای این سرزمین به سایر نقاط دنیا برده شد و سوسه مهم تغذیه هزاران نفر از افراد جامعه بشری را فراهم آورده است. شاهنشاهان هخامنشی با آبادی و عمران اهمیت مخصوص میدادند و برای تشویق تاجرت مقرر داشته بودند که هر کس زمینهای بیخاک را بواسطه آبیاری آباد کند تا پنج‌هشت عایدات آن زمین‌ها از آن او و معاش باشد و تا نوشته‌های هرودوت چنین مقرر شده که شاهان هخامنشی سدهای در رود مغراب می‌ساخته بودند که هم از آن را آبیاری کنند. (۳) و (۴) و ج. ۵.

الیف در تأیید مطالب فوق می‌نویسد: «کارین یا قنات یا کنتی استخراج بسیار مدینه‌ها ایرانی است که از دوره‌های بسیار قدیم در ایران معمول بود و حتی پولیبوس مورخ یونانی هم از آن ذکر کرده است. این ابداع ایرانی بهترین و هوشمندانه‌ترین راه آبیاری و حاصلخیز کردن جنگلهای است که در دورداد آنرا کوه‌فرات گفته است. بعدها این فکر در بسیاری از سرزمینهای دیگر خاورمیانه تقویت شده و حتی در حال حاضر در املاک پادشاه ماراوار اردن در دره رود اردن از آن استفاده میشود.» (۵)

گزفون در ضمن شرح مسافرت خود در

### ظنین کار و کوشش و شادی و دوستی

بقیه از صفحه ۱  
در تبسم اراده شاهنشاه، میکوشد، بر بزرگترین هدیه زمان مارا، در تخت جمشید به جهان آفرینی دارد، ارمان دوستی، اعتدال و تقاضا و احترام متقابل، برای تمام ملل و از این ارمان در سطحت تخت جمشید، چون نمۀ آرامش و شادمانی ظنین انداخته است.  
کتون، دیگری، از سکوت و انبوه نارسالی زمان، از درد پیام تحمیت جمشید، بر کوهستانها و دشت‌های فارس قدیم واصل، حکم فرمایت، هجا، شادمانی و زمزمی و زندگی نو، بر میبیزد، از تخمچین جادو شیراز لیزه‌ها روزنامه‌چشن شاهنشاهی

یکدیگر آزمایش سادمای بعمل آوردند پسین ترتیب که اسب در روز چقدر میتواند رامیون بر آنکس خسته شود و آنرا میباید با استنادار عمل قرار دادند. معلوم است که تلگراف در عهد قدیم نبوده است ولی وقتی که میخواستند خبری زود به مقصد برسد آتشنهائی روی بلندیا روشن میکردند و وقوع حادثه‌ای را بطور تسلسل از یک محل به محل دیگر اطلاع میدادند، چنانکه بعد از استیلاي مردونیوس بر آتن با آتش از راه جزایر سیگال - خشایارشا را که در سارن بود، گاه ساختند (۷).

توجه به تمییم تمدن و فرهنگ بنیاطسر تأمین رفاه اجتماعی در دوران، شاهنشاهی هخامنشی یکی از مظاهر درختان شکوه و عظمت امپراطوری ایران در سالهای ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد است که طی آن ملت آریائی ایران فرصت یافت فرهنگ و تمدن خود را بنحو محسوس پیش‌برد و بسیاری از رسوم غیر انسانی جهان قدیم را از قبیل غارت بلاد و قتل‌عامها و ویران کردن معابد و تحویل‌غایب مدعی غالیان بر مغولان و قربان کردن فرزندان آدم برای بتها و رب‌النوع‌های مصنوعی از میان بردارد (۸)

داریوش کبیر در روی خرابه‌های کوش قدیم کاخ بسیار زیبایی بنا نهاد که در کتیبه طوبی که بدست هیئت حفاری فرانسوی کشف شده شرح ایجاد آنرا بیان کرده است. در آن موقع شوش بصورت یک پایتخت جهانی بود که سفیرانی از تمام کشورها با آنجا می‌آمدند و پادشاهان بربتاج و تخت به آن پناه می‌بردند و شعرا و نویسندگان و هنرمندان و اطباء کاز و سرزمین‌های مجاور آمده بودند خود را در اختیار داریوش شاهنشاهی قرار میدادند. (۹) بنا بر نظر ژ. فیولوزا حضور بزرگان و متخصصین خارجی در دربار داریوش کبیر مسلم است و اولین و معروفترین آنها جراح قابلی از اهل کروتون ایتالیاست که مدوسس نام دارد و در بابت در خدمت پلکیرات پادشاه

(۱) اقتصاد کشاورزی تألیف دکتر احمد موم ۱۳۴۴ - انتشارات دانشگاه تهران.  
(۲) تاریخ کشاورزی ایران تألیف دکتر قیصری بهرامی ۱۳۳۰ - انتشارات دانشگاه تهران.  
(۳) ایران باستان تألیف حسن برینیا (ج ۱) ۱۳۳۲ - مطبوعات دوم رسوم انتشارات این‌ساز.  
(۴) میراث ایران تألیف میکروزی از خاورشناسان (۱۳۳۶) - فصل اول ترجمه عزراه حامی - انتشارات بنگار ترجمه و نشر کتاب.  
(۵) ماخذ بالا.  
(۶) رجوع بشماره ۲۳۵.  
(۷) رجوع بشماره ۲۳۴.  
(۸) در گذشت سفرنامه‌ها و اسرار از دکتر مسفا (۱۳۳۸) - انتشارات مجله دانشکده ادبیات.  
(۹) تمدن ایران تألیف چندین از خاورشناسان فرانسوی ترجمه دکتر عبی‌پام (۱۳۴۲) - انتشارات بنگار ترجمه و نشر کتاب.  
(۱۰) تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف دکتر ذبیح‌السمفا (۱۳۴۲) - مجلد اول چاپ سوم دانشگاه تهران.  
(۱۱) رجوع بشماره ۲۳۵.  
(۱۲) رجوع بشماره ۲۳۵.  
(۱۳) تاریخ طب ایران تألیف دکتر محمود مصدق‌آبادی (۱۳۴۱) - مجلد اول

### تحقیقاز: دکتر منوچهر سعادت نوری

ساموس بود و سپس بخدمت داریوش درآمد. بزرگ دیگری که در دربار داریوش خدمت میکرد کتیراس نام دارد و قرائن نشان میدهد که بزرگان نامبرده در انتقال علوم ایرانی بنقاط دیگری نقش موفی داشته‌اند، در آن زمان ایران صاحب قومی از هندوستان بود و معلوماتی راجع به امراض زنده از طب هندوستان بوسه‌بل ایرانیان بدست نویسندگان کتب بقراطی (۱۰) رسیده است که نشان میدهد که بزرگان نامبرده یعنی موسس و کتیراس بعد از برگشت به یونان اطلاعاتی را که از طب هندی در کشور ایران بدست آورده بودند در آن سرزمین مورد استفاده قرار داده‌اند (۱۱). مطالب فوق موند این نکته است که آواز شهرت دانش‌های یورپی داریوش کبیر و نیز بر خورده‌ای ایران از تمدن و فرهنگ ایران بزرگ داشته‌اند و فرهنگ‌های مجاور مانند یونان و مصر و روم و هند (که اکثر آنها از اتباع ایران بوده‌اند) نفته‌هاست جاب‌غای خارجی بظنطور که معلومات جدید گردیده بلکه ایرانیان در آن زمان یکی از مراکز تبادل علمی جهان بوده است.

داریوش کبیر با استفاده از تملیحات فوق اولین دانشکده پزشکی جهان را در مبلر تأسیس نمود (۱۲) و کتب و آثاری را که وجود داشت جمع‌آوری نموده دوران نشنا درخشانی را در زمینه علم پزشکی ایجاد کرد. دانشکده فوق در تحقیق و کوشش که قبلا در ایران باستان وجود داشته احداث شده است و موفک تاریخ طب ایرناض ضمن تأیید مطالب فوق می‌نویسد: در ایران باستان مومکت وجود داشته یکی (مکتب مزسیا) به پیروی از دستورهای زرتشت پیغمبر ایران باستان ایجاد شد، آنچه در اوستا و سایر کتب مذهبی زرتشتیان آمده نشانه این مکتب است. مومکت دیگر (مکتب آکیانان) قریب یکصد سال پیر از زرتشت توسط یکی از شاگردان وی و بنام شنابور موم ستوت تأسیس گردید، و تنها یکمکتب شناور، در کرمان مرند را عهد داریوش. پلوستارک کار بدست خود متکثر گردیده است که در مکتب یکمکتب‌های آکیانان که ریشه پادان‌ها یافته بود دروس حکمت - نجوم - طب و جغرافیا تعلیم داده میشده‌اند. (۱۳)

چغنی است که بفرمان معنی محمود نشود ... شیراز، در کار میزبانی ندیاست، میزبانی چش شاهنشاهی، و آواز یو، و بدار نوشن‌ها و تازه‌شدن‌های آن، چنین شوق‌انگیز است. و این‌ده‌لیله که شاهنشاه، هر چند بیکار، از نزدیک، این‌رسن و نوشن، و بر آمدن ثمرات انقلاب سفید و پیروزی‌ها، این‌ساز، که که اکون، جلوه‌گاه چش شاهنشاهی ایران شده، بازید میفرمایند. و درین رهگذر، تکرار کتیم که شیراز در استقبال چش شاهنشاهی، تنها نیست، هر شهر ایران، یک جلوه‌گاه است. و هر شهر ایران، میکوشد، شایستگی و رندیم‌پوسته‌های، را، در آوردن آرمانها و هدایای آئین شاهنشاهی، بیشتر جلوه‌گر سازد. بان‌رشد و پیش‌پلی در مودم‌پوسته‌های ...

زندگی است که میروید و تاریکی است که شکفته میشود. شیراز می‌داند، چه افتخار بزرگی، در عصر شاهنشاه آریانه‌ها نصیب شده است. و این تاریکی و نوریندن، فصل اندیشه مردم فارس را نیز تابانده‌است. شیراز، که برای چش شاهنشاهی ایران، آماده‌میشود، نمونه‌ای است. هر شهر دیگر ایران، در هر گوشه کشور، همین اندازه در کار نوشن، و گزاه شدن است. چش شاهنشاهی، که آغاز میگردد، ملت ایران، با آن، پیروزی های خود را، برای نوشن، و برای سرگرفتن عصری که سر آغاز تمدن بزرگ خودمیدود، جشن میگیرد. این‌چش، تنها چش درختان و بر افتخار، نیست، چش امروز آریا و غرور آفرین کشور ما نیز هست، شماره پنجاه و یکم



# جشن‌های ۱۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران



سخنرانی پروفیسور جوزپه توجی

سرشناس معروف ایتالیایی

## کورش، معمار شاهنشاهی بزرگ ایران

متولد شد. او فرزند کمبوجیه و دختر آستیاژ پادشاه مادها بود. کوروش در سال ۵۵۹ قبل از میلاد آستیاژ را شکست داد و تصرفات او را ماک شد و باین ترتیب اتحاد وهبستیکی مادها و پارس‌ها را فراهم کرد. او ممالک متعددی را فتح کرد و ملت‌های بسیاری را تحت اقتیاد خود درآورد. برخی از کشورها قبل از آنکه مغلوب شوند خود تسلیم شدند و در اینجا صحبت از فتوحات کوروش نیست بلکه روش او را به عنوان یک جهانگشا بشرت خواهیم داد. او سردارانی را که مغلوب او می‌شدند بقتل رسانید، شهرها را نوزاند و مناطقی آباد و برجمیت را به پورانه تبدیل نکرد. بسیاری از فتوحات او قربانیانی نداشت به فرهنگ و رسوم و سنت‌های دیگر ملل پاینده احترام نکرست و آزادی مذهب را برای ملل مغلوب فراهم کرد. سیاست حکومتی و شیوه او موجب شد که آنچنان اتحاد و اتفاق در میان قبایلی که امپراطوری بزرگ او را تشکیل میدادند بوجود آید که حتی پس از مرگ او نیز دچار خلل نشد. فتح بابل در ۵۳۹ قبل از میلاد انجام شد اصولا در سالهای ۵۵۶ - ۵۵۴ - ۵۴۱ و ۵۴۰ قبل از میلاد مرتباً به سمت امپراطوری کوروش افزوده شد و مرزهای آن گسترش یافت. دو قرن بعد از درگذشت کوروش یکی از پادشاهان هند بنام «اسوکا» با الهام از اقدامات کوروش آزادی مذهب را اعلام کرد و دستور داد که اعتقادات مذهبی افراد قابل احترام باشد. فرمان کوروش معبد یهودیان در اورشلیم که در سال ۵۸۶ ویران شده بود دوباره تجدید ساختار شد. دستور او یهودیان که بچال اسارت در بابل بسر می‌بردند به سرزمین اصلی خود بازگشتند به این حسانه تاریخی در کتاب مقدس نیز اشاره شد آنجا که میگوید «من خدای هستم که همه چیز از آن من است من به کوروش میگویم: تو شبان من خواهی بود و هدفها و نیات مرا مرحله اجرا درمی‌آوری. اورشلیم و معبد آن باید دومرتبه ساخته شود. در کوروش توانایی و قدرتی بودید گذارم که همه درها بروی او باز می‌شود و هیچ دری بروی او بسته نمی‌شود». پس از فتح بابل و تسطین رها مصر نیز برای کوروش گشوده شد و پس از آن هند نیز به تصرفات او افزوده گشت. در ۵۳۰ قبل از میلاد کوروش درگذشت و جسد او به پاسارگاد حمل و در آنجا بچاک سپرده شد. از این ملاحظات مطالبی چند بنویسند می‌تواند که مهرتیب آن تحولی است که کوروش از نظر فکری و اخلاق در دنیای باستان بوجود آورد. کوروش معیارهای متداول زبان را در مورد شناخت ارزشهای انسانی از میان برد و آزادی‌انسانها و احترام به شخصیت آنان را جایگزین معیارهای سابق کرد. کوروش برای اولین بار در تاریخ بشریت موفق به تأسیس امپراطوری وسیعی متشکل از ملت‌های گوناگون شد که همه آنها دارای فرهنگ، زبان، آداب و سنن مختلف بودند ولی به آزادی و فرهنگ هیچیک از ملل تابع امپراطوری خدشهای وارد نشد. و به همین علت سالها پس از او ادامه یافت در حالیکه امپراطوری اسکندر بلافاصله پس از مرگ او تجزیه شد. بعدها نیز شیوه حکومتی و سلطنت کوروش کمتر تکرار شد.

کوروش اقدامات عمرانی بسیاری را آغاز کرد که جانشینان و اخلاف او آنها را پایان ندادند. برای نمونه میتوان از شهرهای نام برد که از هندوستان آغاز می‌شد ۲۹۸۳ کیلومتر امتداد داشت. در طول این شاهراه ۱۱۱ ایستگاه داشت. در آنجا ایستگاه تازه‌سازی در آن کندهاری می‌شد تا پیام‌های سلطنتی را به مقصد برسانند. پیام‌آورانی که حامل پیام‌های مربوطه بودند این راه را در مدت ۷ روز طی میکردند. از دوران کوروش ایران نه تنها معنویات یک امپراطوری بزرگ در تاریخ جای گرفت بلکه بمنزله پلی بین هندوستان و یونان در نظر همگان نمودار شد. اگر بگوئیم که بسیاری از جریانات فکری و عقلی از ایران سرچشمه گرفته و سپس به سایر نقاط جهان سرایت کرده است سخن به گراف نکتست. میترائیسم از ایران بفرز رسید. برخی از قیام در صحنه ۴

با بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست او آغاز شد پس از کوروش و سلسله خاندانشی همچنان ادامه یافت و بهیارت دیگر با کوروش و خاندانش پیایان نرسید بلکه زیرینا و پایه تمدن‌های دائمی را بوجود آورد که هنر و تفکرات مذهبی را باعث گشت. این تمدن از مرزهای امپراطوری ایران گذشت و دیگران را در درخشان‌ترین نقاط جهان تحت تاثیر قرار داد. حقیقت بظن من که نباید نادیده گرفت و ذکر آن ضروری نیست میرسد اینکه کوروش در زمانی زندگی کرد که آن زمان دیگر هرگز تکرار نشد و از مشخصات اصلی آن دوره خصومت‌ها و دشمنی‌های متقابل انسانها را میتوان نام برد. در آن عصر انسانها در برابر خداوندان زور و قدرت زانو به زمین می‌زدند. در چنان شرایطی کوروش آزادی فردی را به بشریت هدیه کرد. قبل از کوروش، زمان شاهد اتفاقات دیگری بود. مکتب فلسفه یونان بوجود آمده بود و یکنوع تفکر و عشق صوفیانه برای مذهب و احساسی انجام کارهای خوب در بعضی نقاط متداول شده بود. پایه‌گذاران این نوع افکار کنفوسیوس در چین و بودا در هندوستان و زرتشت در ایران بودند. پیروان آن عنوان منافع مقاومت و شورش در برابر قدرت‌های بزرگ آن عصر بشمار میرفتند هنوز نیز نفوذ آنان در جهان احساس می‌شود و دستورات و تعلیم آنها پیروانی دارد. گفتگو در این مورد از بحث ما خارج است و فقط بخواهر آنکه دورنمایی از عصر کوروش ترسیم شود شمه‌ای از آن بیان شد. خانمها، آقایان: تاریخ مانند زندگی بشر است و این بخودی خود مهم نیست آنچه حائز اهمیت است آناری است که حوادث و اتفاقات تاریخی در زندگی نسل‌های بعد بوجود می‌آورد و اینرا میتوان میراث و مآثرک تاریخ دانست. ترقی و تنزل امپراطوری‌ها را نشان میدهد و چگونگی تبادل و ترکیب عقاید و تمدن‌ها را آشکار می‌کند. من درباره پیروزیهای کوروش بزرگ داد سخن نخواهم داد. بلکه میگویم که نتایج تاریخی فتوحات عظیم و شاهکارهای او را بررسی کنم. انکسالیتهات اقدامات او در آن دوره هنوز بنا میرسد در حالیکه آثار و انساندگانه‌ای که از دوران او بدست آمده هیچگاه بدست نمی‌آید. اگر بخواهم حوادث تاریخی و کیفیت حکومت‌ها و پادشاهانی را که در آن زمان زندگی میکردند و وقایع مربوط به آنان را توصیف نمایم خودم و شما را در دریایی از لغات و تواریخ غرق خواهد کرد فقط به این مطلب اشاره میکنم که مهاجرت پارسها و مادها یک ضرورت تاریخی بود.

کوروش درین سال‌ها ۵۸۰ تا ۵۸۰ قبل از میلاد

۱۲ اکتبر - جلسات علمی دانشگاههای کرمان و ایتنبروک، در هفته‌چشم. جلسه خاص انجمن فرهنگ «هامبروکستال» در وین، در ۱۲ اکتبر. سخنرانی آقای «گورباخ» نخست‌وزیر سابق اتریش دربار تاریخ شاهنشاهی ایران، در یکی از سال‌های مهمیون. برنامه‌های هنری - برنامه خاص آکادمی موسیقی وین، شامل کسرتی-پراسا مایه‌های موسیقی ایرانی، با همکاری دانشجویان ایرانی این آکادمی، در هفته چشم. ردهنده چشم. رادیو، تلویزیون، مطبوعات - انتشارات‌های مضمون‌سوروزنامه‌های بزرگ kurier die presse - سلسله مقالات درباره ایران قدیم و جدید در روزنامه رسمی دولت اتریش، تحت نظر آقای دکتر متیستیک رئیس اداره کل مطبوعات. - برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی درباره ایران، در ماههای سپتامبر و اکتبر (شهریور و مهر). تعمیر یادبود - انتشار تمیر یادبود از طرف اداره کل پست و تلگراف-اتریش. برنامه‌های مختلف - فروشگاه بزرگ وین بنام «هرتسماسکی» از تاریخ شروع جشن پمده سه هفته نمایانگی از متنوعات ایرانی برای فروش ترتیب خواهد داد و ویترینها و قسمت‌های داخلی فروشگاه را که طی آمار روزانه پیش از ده هزار نفر مشتری دارد با پرچمهای ایران و اوراق هنری ایرانی تزئین خواهد کرد. - تحت ایتر کسینتال با همکاری پمده و پمده آغاز جشن نمایانگی از عکسهای ایران و آثار هنری ایرانی در تالار اصلی خود ترتیب خواهد داد و در این هفت روزه از مشتریان خود با غذاهای ایرانی و برنامه رقص و موسیقی ایرانی پذیرایی خواهد کرد.

این سخنرانی در مراسم افتتاح فعالیت‌های کمیته ایتالیایی جشن شاهنشاهی در عمارت کاپیتول رم و در حضور وزرای خارجه ایران و ایتالیا ایراد شده است. علیچیاناب - آقای شهردار - خانمها - آقایان اسامال ایران با سایر نقاط جهان دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی خود را جشن میگردد. مراسمی که به این مناسبت انجام میگردد جنبه جهانی دارد و منمن سعی خواهیم کرد که در ضمن سخنانم دلایل برگراری آن را روشن کنیم. اما قبل از آن باید بگوئیم که ایتالیانها بدو دلیل نمیتوانند از دیگر ملت‌ها برای شرکت در جشن‌های مزبور عقب بمانند. دلیل اول بخواهر هستیگی ایران و ایتالیا است که در طی قرن‌های متعددی ادامه داشته است و دومین دلیل را باید در فعالیت‌ها و کاوش‌هایی دانست که بوسيله ایتالیانها در پرسپولیس و پاسارگاد صورت گرفته است. در این مورد متخصصین ما که توسط وزارت امور خارجه معرفی شدند بدست سال یکبار پرداخته و من مشولیت‌های را در این باره با مردان برجسته‌ای چون پروفیسور «دی‌ناچلیس» و «اسات» و پروفیسور «زاندو» آرشیتکت‌هایی مانند کالدیری و ارازلی قریب کردیم ...

... هیچگاه تمدن ایران بدست نیستی و نابودی برده نشده و بنابرین جای تعجب نیست اگر ایتالیا در خارج از ایران اولین کشوری باشد که کوروش را تحلیل کند و عظمت او را بنماید. ساختمان‌های تخت‌جمشید هرگز نابود نشده‌اند اما در شرایط کنونی تجدید حیات کرده‌اند. آنها عمارات و ابنیه‌ای هستند که جاودانگی آنها مرگ و نیستی را تحقیر می‌کند.

کشورگشایان معمولاً آثاری از خونریزی و رنج و مصیبت از خود باقی نگذاشته‌اند. فتوحات آنان غالباً یک رشتت حلاتی بود که برای توسعه تصرفات خود انجام دادند و پس از مدتی نیز بدست فراموشی سپرده شدند و بسیاری از آنها ارزش بررسی و مطالعه را ندارند اینها در حقیقت مانند موج سهمگینی بودند که تندبادی آنها را به حرکت درمی‌آورد و بعد نیز از میان می‌رفتند. اما این نکته عموماًست نادر زرا در پارهای مواقع فتح یک مملکت، فصل تازه‌ای در تاریخ می‌گشاید و دنیا را زیر و رو می‌کند و حوادث و جریانات تاریخی بعدی را موجب میکند. کارهای کوروش را باید در سطحی وسیع‌تر و گسترده‌تر بررسی کرد و از آنجا که کوروش با اقدامات او نگرست، در اینجاست که چگونگی تأسیس امپراطوری بزرگ او و متشکل از ملت‌های گوناگون آشکار می‌شود. تمدنی که

### چهره جشن شاهنشاهی در کشورهای خارج

### مشروح برنامه‌ها در کشور اتریش

گشایش رسمی جشن - خیابان رسمی حضرت رئیس جمهوری در وین، با شرکت ضمیمه‌های برجسته داخلی و خارجی. نمایانگیها - نمایانگی. هنر ایرانی دموژه هنرهای زیبای وین، با نمایش فرمایش تاریخی عهد صفوی متعلق باین موزه و نمایش‌تورها و آثار متند تاریخی و هنری، این نمایانگی مقارن با آغاز جشن افتتاح این نمایانگیها - نمایانگی (ایران امروز و عکسهای مربوط به «تاریخ هنر ایران» در کاخ معروف «پالنی» به سرپرستی وزارت فرهنگ-اتریش. پمده یک هفته در زمان جشن شاهنشاهی، همراه با نمایش فیلم‌های مستند مربوط به ایران و موسیقی ایرانی و رقص‌های فولکلوری ایرانی با لباسهای محلی. این نمایانگی توسط حضرت رئیس جمهوری-اتریش افتتاح خواهد شد. دانشگاهها و مراکز علمی - جلسات خاص علمی در انستیتوی خاورشناسی دانشگاه وین، با کنفرانسهای استادان دانشگاه درباره تاریخ و فرهنگ ایران، در هفته چشم.











● نام این دانشگاه در تاریخ ایران نماینده علم و فضل و درخشندگی نور و فرهنگ ایران است. مستور خواهد داد دولت و مراکز برنامه ریزی ما در برنامه آینده که خوشبختانه بزودی شروع خواهد شد تمام احتیاجات این دانشگاه را در قسمتهای مورد لزوم است برطرف بکنند.

دانشگاه پزشکی شما بخصوص روی شهرت گذشته خود در آینده اگر ممکن باشد باید سرآمد تمام دانشگاههای پزشکی این مملکت باشد و چون دانشگاههای دیگر هم مسامحا و کوشش و تلاش و پیشرفت خواهند کرد در هر صورت از هیچکدام عقبتر نباشد.

دانشگاه کشاورزی شما نیز هیمنطور، و هردانشگاه دیگری که در این استان مورد لزوم مردم یا برای پیشرفت کار باشد تاسیس و ایجاد خواهند شد.

برای مقررات و اسامیه این دانشگاه لازم است که رئیس دانشگاه البته با مشورت با اساتید محترم و تماس با وزیر آموزش و پرورش مقرراتی را تهیه مقررات جدید دانشگاه تهران را بپوشی شیراز یا آریامهر امضا کند تا مورد تصویب قرار گیرد.

نظری استادی البته باید تأمین شود و ما بهترین افراد ایرانی، بهترین مغزهای ایرانی و اگر لازم باشد بهترین مغزهای غیر ایرانی را برای پیشرفت کار در این دانشگاه در اختیار داشته باشیم. علم و فرهنگ اصولاً نمرز میشناسد نه ملیت. یکی از اشکالات امروز اینستکه اغلب مغزها ولو از ممالک دیگر یعنی اوقات مثل آهنی بوسیله آهنربا برآید علمی زندگی جنب میشوند برای اینکه وسائل کار و شاید زندگیهای بهتر فراهم شود.

مادم باید همین وسائل کار و زندگی را در اینجا فراهم کنیم که بهترین مغزها بین قلب جنب شوند اهلیتی که باین دانشگاه میگذاریم درست است که یک قدری مربوط باشد به پیرمطرفی و به پرورش آن است. درست است که چه چشمه فراغ تحصیل این استان روز بروز اضافه میشوند و در آینده برآید از این هم بیشتر خواهند شد ولی مخصوص اهلیتی که بدان میگذاریم برای استعدادی است که در این مملکت خصوصاً در این خطه از لحاظ استعداد فردی و انسانی. در این اقلیم موجود است که من برای آن حد و مانی نمیباشد. دروغ است و حیف است که امروز حتی با استعداد انسانی عاقل و یک امکان آبادانی دست نخورده بماند. پس شما نسبت باینده خود این اطمینان را داشته باشید که دانشگاه ما هم در هر دو همگام سایر دانشگاههای ایران است. افاق روز بروز روشنتر و بالاتری بطور استوار کام برخواهد داشت.

# سینمون مابدوران تمدن بزرگ

## ۱۰ - دانشگاه و دانشجو

خطاب به دانشجویان ایرانی متیم ترکیه ۲۸ خرداد ۴۶

### دانشگاههای ماباید تغییراتی را که در علم

● **وضع جهان ایجاد میشود حساب کنند**  
۳... از حالا در دانشکدهای ما در تعلیمی که راجع به اقتصاد و غیره میدهند باید حتی حساب بکنند که پیشرفت تغییراتی بمشکل صنعت و بنابراین با اقتصاد ملل خواهند آمد از حالا باید پیشینی بکنند که ورود دستکهای ترازیتوری و دستکهای حساب و بهر صورت منابع الکترونیک و حتی اشمه لیزر و غیره چه تحول و چه اتقالی در صنعت و اقتصاد دنیا ایجاد خواهد کرد.

ما که تمسیر داریم جزو ملل مترقی دنیا باشیم و انشاءالله در پیشایش آنها حرکت بکنیم باید با امکانات خدادادی خود را از لحاظ علمی و انسانی حتما آماده بکنیم و این ممکن نموده بودیم مگر اینکه موسساتی از قبیل این موسسه علمی و مؤسسات دیگری از لحاظ تخصص و لابراتواری تطبیق دهند انسانی خود را در چند محل خارج از خوشبختانه مشغول هستیم.

هنگام دریافت دستوری اختیاری از دانشگاه ملی ایران ۲۴ آبان ۴۶

### باید دانشجو درحلول وقت فرصت

### مشارکت در کارهای دانشگاه را داد

● «... مایب دانشگاهی چیست ؟ این موضوع را از چندین نظر باید مطالعه کرد: از نظر اداری، دانشجویی، هیئت آموزشی و موضوع تمامه استادان. اساتید باید وقت خود را صرف مطالعه کنند و خود را با آخرین اطلاعات علمی روز تطبیق دهند استادانی هستند که در چند محل خارج از دانشگاه کار میکنند. البته شاید تعداد این قبیل استادان زیاد نباشد - در مورد دانشجویان هم باید توجه داشت که آنها انسانهای - صنعت و دارای فهم و ادراک میباشند. باید آفاتان در شان انسانی ایشان رفتار کرد همانطور که سایر طبقات مملکت اعم از کارگر و کشاورز- بنحوی این مسئله و مشکل که کارهای که در این مملکت انجام میگردد برای بهبود وضع انسان است.

دانشجویان نیز باید بدانند که هر چه در دانشگاهها میشود برای بهتر شدن تحصیلات آنها است و باید به آنها مسئول سایر طبقات مملکت در حدود معقول فرصت مشارکت داد. استاد باید، دانشجو دوسانه رفتار کند. در مقابل سؤال او جوابی قانع کننده و منطقی و مؤدبه بدهد. و برقراری این گفت و شنود باید بیشتر بعهد استادان راهنا باشد. البته استناد تمام وقت فرصت جنب گفت و شنودی را بیشتر خواهند داشت امور دانشجویی تا اینکه گفت و شنود است. باید بخود دانشجویان واگذار شود تا خودشان در امور مربوط به خودی سرپرستی کنند و در این مورد دستورات لازم به وزیر علوم دادهام».

در کنفرانس بررسی مسائل آموزشی ۱۵ مرداد ۴۷

دردانشگاه گندشاهپور. خطاب بدانشجویان و استادان دانشگاه - ۱۹ آسند ۴۵

### دانشجویان باید متوجه اهمیت

### مسئولیت ملی خود باشند

● «... ما سعی میکنیم امور علمی و دانشگاهی را هر چه بیشتر ممکن است تقویت کنیم و نشان بدهیم که تا چند در این امر امروز به تربیت علمی و فنی و روحی افراد اهمیت میگذاریم، زیرا میدانیم که امور این مملکت دیر یا زود همباید بنست کسانی اداره شود که اکنون مشغول تحصیل هستند. طبقه دانشجویان نیز میباید کاملاً متوجه اهمیت مسئولیت و وظیفه ملی خود باشند و یقین دارم که در این راه کوشای نخواهند داشت».

سلام نوروزی - اول فروردین ۴۶

### خون جدیدی باید وارد

### سنگاه دانشگاهی بشود

● «من متمم که خون جدیدی باید وارد سنگاه دانشگاهی ما بشود. یعنی دانشاران جدید، استادانار جدید و اساتدان جدید بکار گماره شوند. البته نه فقط از لحاظ اینکه سن آنها باید کمتر باشد، بلکه باید بایک طرز فکر جدید و روحیه جدید وارد کار شوند، یعنی کسانی باشند که فکرشان و اطلاعاتشان را با پیشرفتهای علمی تطبیق بدهند، بیشتر مطالعه کنند با دستکهای بزرگ دنیا مکاتبه داشته باشند، بهر صورت چون تعداد دانشگاههای ما زیاد است و احتیاج باستان و استادانار و دانشاران زیاد خواهد بود صدها نفر از جوانهای با استعداد ایرانی در این دستکها وارد کار خواهند شد، ما گروههای متعددی را برقرار در این دستکها در برون بپینند هرچای که ایرانی با استعدادی پیدا میشود اورا برای دانشگاههای ایران استخدام بکنند».

مورد همه آنها، موضعی قابل بررسی است. انسان از آزاد خلق شده و هواره و بسوی مبداء آفرینش، کش دارد. او چون غیری است که در راه الهی و جاذبه مبداء خود، هواره، نفوذپذیر نمیداد، به هواره در تلاش است تا خوشتر را در جنبه این کش، به دام مبداء افکند، و مبداء آفرینش است، جلوه کار نور است و روشنی. جلوه آرزوی و از این رو دور نیست که انسان، خود، جلوه ای از ذات مبداء باشد. جلوه ای از آزادی باشد. او هواره، در هماغه برای تثبیت آزادی خود، کوشش میکند و میگوید تا «حقوق» خوشتر را، فرستاد و خوشتر را، برآورد و از این رفتار، «وجود» خود را، برای دیگران، به اثبات رساند. انسانهای بزرگ هواره، نه تنها مدافع حقوق خود، بل مدافع حقوق دیگرانی بوده اند که یا از طریق قربی و یا از طریق عاطفی با آنان وابسته بوده اند. و غریبان ایران زمین، که پرچمدار نهضت های انسانی است، در همه حال اینبندی همی مردم این مرز و بوم و دیگر مردان و زنان، در هر گوشه ای جهان را دارند. فرمان های از گوی «تکلیف سیاه پیداست، سیاه پدافش، و پیکار جهانی با بسوادی، تشکیل لژیون خشمگران بشر» و جلوه ای از این نوع اندیشه و طرز فکر است. و اکنون خوشتر بزرگ از حقوق کارگران سخن میرانند. «کارگری که گردانندگان چرخ های کار و زندگی در این مرز و بوم هستند. راه مدافعان حق، پیروز باد.

دیدگان آنان، شعله های خود را بدست بآب سپرده است اما، در مسیر خود، فراز و نشیبها را، درمی یابند و هواره های آمریکه خط، از مرکه های که آخرین چهل و نواکاهی برای آنان که تدارک دیده است، جان خود را به سلامت میبرند. او دیده است که چگونه قومی، بدست او از آنکه منافی بیشتر، بر قوم دیگری میبازد و مردمان داری، چگونه به سیاهی ها خود، اودماند. او دیده است در سرزمین ترواجوند، در میان قومی کهنسال، مردمانی میزند که برهنه بر تو خورشید داشت، راههارا شناختند و تمدنی درخشان را بسوی برزی کردند. و مرد حکیم، که بدنبال یافتن کیمیای خوشبختی، سالهای عمر و جوانی خود را سپری کرده بازم پیش میازند. و بازم، از هر دیده و سر نشنیده ای، بگفته تیرهای، سود میبرد. از سر نشنودن آنان که به ظاهر، بی روی جوانی را زودت داده اند و یا به سرزمین پیری نهاده اند. اما توان آنها، در سایه دانی و با بهره گرفتن از آگاهی ها، در کار قدرت باتوان آفریننده است. و توان آنها، آنکه تکه شکستی انگیز است که نه زمین، که آسمانها را، و دریاها را، حول انگاه ارکدهی بشر میبازند و از سر کشند آنان، که اگر چه ظاهر جوانند، اما به پیران میمانند. و از این سر نشنودن و این کشند، تجربه ای در هر حکیم خود را افزونی میدهد و زمانی در میسرده که مرد حکیم درمی یابد، به کیمیای دلخواه دست یافته است. کیمیایی که بدنبال آن راههای دور و دراز را

شماره پنجاه و یکم

### ... و تا کلدی دیواره

## جنبه شخصیت نگرى در اصل چهارم انقلاب

● «چهارمین اصل انقلاب ایران، بهیم شدت کارگران در بود کارگاهها، نه تنها نسبت به پیشینی را از سطح کارگران ایرانی جدا کرده، بلکه در عین حال از این نظر اهمیت داشت که کارگر، از شخصیت و احترام انسانی خاص که استحقاق آن را داشت، برخوردار شد. زیرا احساس کرد که خوشی در منافع کاری که انجام میدهد، مهم است و دیگر سرنگ است. او، مورد احترام قرار نمیگیرد. این قسمت کوشای از بیانات شاهانه آریامهر، هنگام گفتش دوره قانونگیری مجلس سا و نورانی، در ۱۴ شهریور ۴۶ بود. و قیلا آن را در همین صحنه خوانندیم، آنچه از راه تقی، قابل ترحیب است، و بعدها گونه گون دارد. مفهومی که از مطالعه سخنان آریامهر از زمین در ذهن متبادر میشود، و به گوهری میماند که در برابر تایش نور خفیه، و که هر جهت، جلوه ای درخشان و خیره کننده دارد. اما چینی که درخشندگی این گوهر را بیشتر به جلوه درمیآورد، چیست «شخصیت نگرى» است. چیزی که فشار اصلی کامل، بر روی آن نهاده شده است. و موضوع شخصیت نه در مورد کارگران، و نه در مورد طبقاتی خاص دیگر از اجتماع، که در

## دانائی و توانائی

تواناود، هر که دانایود  
به دانش، دل لیر، بر نایود

« از حکیم ابوالقاسم فردوسی »  
\* \* \*  
مرد حکیم، به مسافری ازیدار افغانه میماند. و باهیاتی شکفت و در کار و نهوردی است. تن پوشی از طلب، بر تن آرمسته و چراغی از جستجو دست دارد. در دست دیگر او عصائی است از بیبولا. و با پیوشش، از سختی، به آهن میماند. و در راه پی میروند. مشتاق و کوهها و کوهها، جنگلها و رودخانههارا پشت سر می افکند و چشمان او، همچنان که راه را میبکشد، و به مشلی از روشنی میماند، او سالهاست که در این راه، راه جستجو، کام بر میدارد و اکنون، کوله بار است، آنکه از سنگینی تجربه ها، آنکه که گاه احساس میکند شایه اش، این توانورای نهارد که بار سنگین کوله بار را، به منزل رساند. و کوله بار او، سرشار از اشک گشتی است. او دیده است مردانی را که دیدگان این روشن دارند، اما در رگها زخود، از سرگوردگی، در سیاهای جملقرو غلبیده اند. او مردان دیگری را دیده است که فانسوی روزنامه جشن شاهنشاهی





# حسب‌های جشن از داخل و خارج

## ستاد عملیاتی جشن دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی



در فرصت دیدار اخیر شاهنشاه آریامهر از شیراز آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس ستاد عملیاتی جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی، اعضای ستاد را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معرفی کردند:

(عکس واسامی اعضای ستاد عملیاتی به‌ترتیب معرفی در این صفحه بنظر خوانندگان عزیز می‌رسد)



فتح‌الله سوده  
وزیر پست و تله‌گراف و تلفن



منصور روحانی  
وزیر کشاورزی و سرپرست وزارت منابع طبیعی



مهرداد بهیلد  
وزیر فرهنگ و هنر



امیر اتاداله علم وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس ستاد عملیاتی جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران



ایرج وحیدی  
وزیر آب و برق



حسین شالچیان  
وزیر راه



دکتر منوچهر شاهقی  
وزیر بهداری



محمد سام  
وزیر کشور



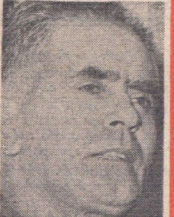
سید نصری  
معاون نخست‌وزیر



هرمز قربی  
رئیس کل تشریفات شاهنشاهی



ارتش فتح‌الله مین‌باشیان  
فرمانده نیروی زمینی شاهنشاهی



ارتش ابوئی  
فرمانده ژاندارمری کل کشور



حمید رحنا  
وزیر اطلاعات



گورب آموزگار  
وزیر آبادانی و مسکن



بهروز خوانساری  
شیر سیار شاهنشاه آریامهر



حجاج‌الدین شفا  
معاون فرهنگی وزارت دربار شاهنشاهی



عبدالرضا انصاری  
قائم‌مقام رئیس شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران



مهدی بوستچی  
رئیس شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران



سید هاشمی‌زاد  
فرمانده گارد شاهنشاهی



سید علی‌محمد خانی  
مدیر عامل هواپیمائی ملی ایران



ماکی  
معاون کل تشریفات شاهنشاهی در امور خارجی



شاپور بهرامی  
رئیس کل تشریفات وزارت امور خارجه



امیر مفتی  
معاون امور داخلی وزارت دربار شاهنشاهی



رضا تقی  
مدیر عامل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران



فرهاد نیکخواه  
معاون وزارت اطلاعات



سیوس فرزانه  
سرپرست سازمان جلب سیاحت